



fj far



دانشگاه تهران
دانشکده هنرهای زیبا

تاریخ شناسی معماری ایران

طرح رویکردی جدید با توجه به کاستی های تاریخ نگاری معماری ایران

نگارش
نسرین گلیجانی مقدم

۱۳۸۲ / ۱ / ۱۷

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
کتابخانه ملی ایران

استاد راهنما: دکتر باقر آیت الله زاده شیرازی
استاد مشاور: دکتر مهدی حجت

رساله برای دریافت درجه دکتری در رشته معماری

شهریور ۱۳۸۱

۴۵۴۹۳

بسمه تعالی

دانشگاه تهران

دانشکده هنرهای زیبا

گروه آموزشی معماری

گواهینامه دفاع از رساله

هیأت داوران رساله دکتری خانم نسرین گلچانی مقدم در رشته دکتری معماری

تحت عنوان: تاریخ‌شناسی معماری ایران

در تاریخ ۸۱/۶/۸۲ نظر نهایی خود را در مورد رساله را با درجه بسیار خوب اعلام می‌دارد.

امضاء	محل اشتغال	مرتبۀ علمی	اسامی هیأت داوران
	سازمان میراث فرهنگی	استاد	۱. استاد راهنما: دکتر باقر آیت‌زاده شیرازی
	دانشکده هنرهای زیبا	استادیار	۲. استاد مشاور: دکتر مهدی حجت
			۳. استاد مشاور:
	دانشکده ادبیات و علوم انسانی	استادیار	۴. استاد داور: دکتر هایده لاله
	دانشکده ادبیات و علوم انسانی	استاد	۵. استاد داور: دکتر رضا شعبانی
	دانشکده هنرهای زیبا	دانشیار	۶. استاد داور: دکتر سیمون آیوازیان
	دانشکده هنرهای زیبا	استادیار	۷. استاد داور: مهندس احمد سعیدنیا
	دانشکده هنرهای زیبا	استادیار	۸. نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر حشمت‌اله متدین

تذکر: این برگه پس از تکمیل شدن توسط هیأت محترم داوران، باید در نخستین صفحه رساله درج گردد.

تحقیق حاضر با عنوان "تاریخ شناسی معماری ایران" بر مبنای نارسائیهای موجود در مطالعات تاریخ نگاری معماری ایران با هدف بررسی این امر و دستیابی به رویکردی مناسب در جهت رسیدن به شرایط مطلوب شکل گرفته که در قالب سه بخش مطالعاتی انجام شده است. با توجه به مسئله عدم شناسایی و معرفی تاریخ معماری به عنوان یک نظام علمی در ایران، با بررسی وجوه مختلف این معرفت اجتماعی- انسانی بر اساس چهارچوبی تاریخی و با در نظر گرفتن فضا به عنوان عنصر معمارانه با تعریفی که بر مبنای فهم انسان از فضا شکل گرفته به تعریفی از تاریخ معماری دست یافته شد که یکی از وجوه اصلی آن پرداختن به وجوه کیفی و محتوایی معماری گذشته می باشد.

پذیرش تاریخ نگاری معماری به عنوان یک نظام علمی از غرب بدون تلاش در جهت انطباق آن با فرهنگ جامعه با سیری در تجربیات تاریخ نگاری معماری در غرب و آشنایی با سیر تحول تاریخی، بستر فرهنگی شکل گیری و در نهایت بینش ها و روش های حاکم بر تألیفات مورد بررسی قرار گرفت.

سرانجام بعد دیگر مسئله در جهت تکمیل مباحث مطرح شده، بررسی شرایط تاریخ نگاری معماری در ایران بخصوص از جهت نارسائیهای موجود بود که بخش قابل توجهی از فرصت تحقیق را به خود اختصاص داد و در نهایت ضمن آشنایی با زمینه ها و قابلیت‌های تاریخ نگاری ایران و ارزش میراث گراندرد مکتوبات تاریخی ایران و بهره گیری از آن برای تاریخ معماری به شرایط تاریخ نگاری معماری ایران در دوره معاصر از جهات مختلف پرداخته شد. بر مبنای نتایج بدست آمده تاریخ نگاری معماری ایران تحت تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم از ابتدا در مسیر صحیح قرار نگرفته و حاکمیت مورخان غربی معماری ایران علی رغم منابع با ارزشی که از آنها باقی مانده در جهت رشد این معرفت اجتماعی نبوده است.

ماحصل مباحث مطرح شده، رسیدن به ضرورت نگرش دوباره و طرح رویکردی تازه در قالب شناختی محتوایی و کیفی از معماری گذشته با دیدگاه نظری بر گرفته از بستر فرهنگی ایران بود که سیاستها و خط مشی های کلی آن در جهت شروع یک حرکت مطالعاتی ارائه شده است.

تقدیر و تشکر

فرستی ارزشمند برای مرور آموخته‌ها، تجربه برخورد روشمند با یک تحقیق گسترده و محک زدن قابلیت‌ها از طریق این تحقیق برای اینجانب فراهم گردید. رسیدن به پاسخ همه پرسشهای موجود برای موضوع گسترده و تا حدودی ناشناخته مانده این تحقیق دور از دسترس می‌نمود، اما امکان طرح مسئله تاریخ‌نگاری معماری ایران و دستیابی به مبانی مطالعاتی اولیه در جهت ادامه تحقیق دستاورد گرانبهایی بوده است که نوید بهره‌گیری از نتایج و ادامه این تحقیق را می‌دهد.

در انجام این تحقیق از راهنمایی و همراهی استاد راهنمای محترم دکتر باقر آیت‌الله زاده شیرازی بهره‌برده‌ام که خصوصاً بدلیل آگاهی عمیق از شرایط موجود مطالعات تاریخ‌نگاری معماری در ایران و تأکید بر ضرورت انجام این تحقیق مشوق اینجانب بودند، که بدینوسیله از ایشان قدردانی می‌نمایم.

احترام و سپاس خویش را به استاد مشاور محترم دکتر مهدی حجت که با دقت نظر و علاقه در مراحل مختلف تحقیق و بخصوص تنظیم ساختار رساله مساعدت نمودند، تقدیم می‌دارم.

از پروفسور بن رید (Ben Read) استاد تاریخ هنر دانشگاه لیدز که در مدت فرصت مطالعاتی با راهنمایی و همکاری ایشان دستیابی به منابع و امکانات تحقیقاتی برایم فراهم گردید تشکر می‌نمایم.

همچنین مایلم از اساتید محترمی که در طی دوران تحصیل دکتری از محضرشان بهره‌برده‌ام و یا در رابطه با تحقیق پاسخگوی پرسشهایی بودند و مسئولان محترم تحصیلات تکمیلی و گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا قدردانی نمایم.

بدون همراهی خانواده‌ام انجام این تحقیق میسر نمی‌شد. با احترام به یاد و خاطره پدرم، از محبت‌ها و کمک‌های مادرم تشکر می‌نمایم. فرزندانم مونا و امیر محمد با وجود سن اندکشان همراهان با محبت و صبوری بودند و بخصوص از همسرم دکتر امیر سعید محمودی برای همراهی و همکاری بی‌نظیرش در همه مراحل تحقیق سپاسگزاری می‌نمایم.

خداوند را برای بهره‌مندی از موهبت طی این مسیر با همراهانی بزرگوار، و ارزانی همه نعمتهایش شکر گزارم.

فهرست مطالب

صفحه	بسمله
الف	عنوان
ب	تصویب پایان نامه
پ	چکیده
ت	تقدیر و تشکر
ث	فهرست مطالب
ج	

مقدمه

۱	موضوع تحقیق
۳	اهمیت و ضرورت تحقیق
۵	فرضیه تحقیق
۶	اهداف و مخاطبین تحقیق
۷	گستره تحقیق
۸	روش تحقیق
۹	ساختار تحقیق

۱۲

فصل اول: نسبت معماری و تاریخ

● گفتار اول: تأملی در تعاریف و تعابیر از تاریخ معماری

۱۴	۱-۱ مقدمه
۱۵	۱-۲ نگرش تاریخی
۱۸	۱-۳ نگرش معمارانه
۲۰	۱-۴ نگرش هنرشناسانه
۲۲	۱-۵ نگرش باستان شناسانه
۲۳	۱-۶ نگرش تشبیهی
۲۶	۱-۷ جمع بندی

● گفتار دوم: معماری از منظر تاریخ

۲۹	۲-۱ مقدمه
۳۱	۲-۲ انسان و معماری
۳۵	۲-۳ معماری در عرصه دانش، فن و هنر
۳۸	۲-۴ فرایند تولید معماری
۴۰	۲-۵ ثبات و تغییر در معماری
۴۳	۲-۶ جمع بندی

● گفتار سوم: تاریخ از منظر معماری

۴۶	۳-۱ مقدمه
۴۷	۳-۲ تأملی در مفهوم تاریخ
۵۱	۳-۳ فضای تاریخی و معماری
۴۵	۳-۴ منابع مادی تاریخ و معماری
۵۷	۳-۵ معماری به عنوان علم مدد کار تاریخ
۵۷	۳-۶ جمع بندی

● گفتار چهارم: ارزش ها و کاربرد تاریخ معماری

۵۹	۴-۱ مقدمه
۶۰	۴-۲ بهره گیری در آموزش معماری
۶۴	۴-۳ احیای هویت
۶۵	۴-۴ انگیزه حفظ آثار گذشته
۶۵	۴-۵ استفاده از تجربیات فنی معماری گذشته
۶۶	۴-۶ نیاز معمار به تاریخ
۶۷	۴-۷ جمع بندی

● فصل دوم: تجربیات تاریخ نگاری معماری غرب

● گفتار پنجم: جریانهای اصلی در تاریخ نگاری معماری غرب

۷۲	۵-۱ مقدمه
۷۴	۵-۲ دوران باستان تا رنسانس، اندیشه گردشی تاریخ
۷۷	۵-۳ قرن شانزدهم و هفدهم، آزاری و زندگی هنرمندان

۷۹	۵-۴ قرن هجدهم، تاریخ فرهنگی
۸۲	۵-۵ قرن نوزدهم، تجربه گرایی و ایده آلیسم
۸۷	۵-۶ قرن بیستم، پایان طبیعت گرایی، اندیشه گردشی و مفهوم فرهنگی، تنوع مضاعف ...
۹۱	۵-۷ جمع بندی

● گفتار ششم: انواع تألیفات تاریخ معماری

۹۳	۶-۱ مقدمه
۹۴	۶-۲ نوع فرهنگ نامه ای، "تاریخ معماری" فلچر
۹۷	۶-۳ نوع تفسیری، "معماری و بسترهای تاریخی" بردن و دانستر
۹۹	۶-۴ نوع ترکیبی، "تاریخ معماری" کوستوف
۱۰۲	۶-۵ نوع گونه شناسی، "معماری اسلامی" هیلن براند
۱۰۵	۶-۶ نوع تک نگاری تاریخی، "مسجد جامع اصفهان" گالدیری
۱۰۸	۶-۷ جمع بندی

● گفتار هفتم: گرایش ها و مضامین تفسیری

۱۱۱	۷-۱ مقدمه
۱۱۳	۷-۲ دیدگاه مشترک تاریخ و تئوری معماری
۱۱۵	۷-۳ دیدگاه مشترک تاریخ معماری و نقد معماری
۱۱۵	۷-۳-۱ برداشت های محتوایی
۱۱۹	۷-۳-۲ برداشت های جسمی-روانی
۱۲۰	۷-۳-۳ برداشت های صورت گرایانه
۱۲۰	۷-۴ گرایش های عام در تاریخ معماری
۱۲۱	۷-۵ جمع بندی

۱۲۴ فصل سوم: تجربیات تاریخ نگاری معماری ایران

● گفتار هشتم: مروری بر تاریخ نگاری در ایران

۱۲۶	۸-۱ مقدمه
۱۲۷	۸-۲ پیش از اسلام
۱۳۴	۸-۳ از آغاز اسلام تا دوره معاصر
۱۴۳	۸-۴ جمع بندی

• گفتار نهم: معماری در متون کهن

۱۴۶	۹-۱ مقدمه
۱۴۷	۹-۲ چگونگی و دلایل توجه به معماری در متون کهن
۱۵۱	۹-۳ انواع متون کهن
۱۵۱	۹-۳-۱ متون تاریخی
۱۵۶	۹-۳-۲ متون جغرافیایی
۱۶۴	۹-۳-۳ دانشنامه ها و کتب ریاضی
۱۶۶	۹-۳-۴ اسناد تاریخی
۱۶۹	۹-۳-۵ متون ادبی، فقهی و مذهبی
۱۷۳	۹-۴ جمع بندی

• گفتار دهم: محورهای اصلی تاریخ نگاری معماری در ایران

۱۷۶	۱۰-۱ مقدمه
۱۷۷	۱۰-۲ محور حفظ و احیاء آثار تاریخی معماری
۱۹۵	۱۰-۳ محور باستان شناسی
۲۰۵	۱۰-۴ محور شرق شناسی و ایران شناسی
۲۰۷	۱۰-۴-۱ مطالعات ایران شناسی
۲۱۴	۱۰-۴-۲ تاریخ معماری ایران در قالب مطالعات هنر اسلامی
۲۲۴	۱۰-۵ جمع بندی

۲۲۸

فصل چهارم: بسوی تاریخ شناسی معماری ایران

• گفتار یازدهم: تأملی در مبانی فرضیه

۲۳۰	۱۱-۱ مقدمه
۲۳۱	۱۱-۲ در جستجوی تعریفی برای تاریخ معماری
۲۳۵	۱۱-۳ ویژگیهای معماری ایران
۲۴۱	۱۱-۴ کاستی های تاریخ نگاری معماری ایران
۲۴۹	۱۱-۵ جمع بندی

مرکز اطلاعات آران و همدان
فهرست مطالب

• گفتار دوازدهم: نتیجه گیری

۲۵۰	۱۲-۱ مقدمه
۲۵۱	۱۲-۲ اهداف تاریخ معماری
۲۵۳	۱۲-۳ تاریخ شناسی معماری ایران
۲۵۶	۱۲-۳-۱ زمینه های مطالعاتی (شناخت، جامع نگری)
۲۵۹	۱۲-۳-۲ زمینه های اجرایی (مستند سازی، بررسی موردی)
۲۶۲	۱۲-۴ توصیه ها جهت تحقیقات آینده
۲۶۴	منابع و مآخذ (فارسی)
۲۷۳	منابع و مآخذ (لاتین)
۲۷۵	چکیده انگلیسی
۲۷۶	عنوان انگلیسی

موضوع تحقیق

معرفی موضوع تحقیق با شرح انگیزه های اولیه شکل گیری آن، هر چند در قالب اندیشه ها و فکرهای ساده و خام اولیه، فتح بابی مناسب برای ورود به حوزه ای است که مضمون اصلی آن "گذشته" است.

برای نگارنده مطالعه تألیفات تاریخ معماری ایران که عمدتاً توسط مورخان غربی انجام شده، همواره با نوعی احساس بیگانگی همراه بوده است، چرا که هرگز ذهنیت و تصویری را که از معماری تاریخی ایران از طریق حضور در فضاها و مشاهده بناها و شهرهای کهن ایران در ذهن داشت، در لابلای نوشتارهای توصیفی، منظم و خشک، حتی گاه مشحون از تحسین ها و ستایش ها از هنر ایران با نقشه ها و تصاویر متعدد این تألیفات، نیافته است. اما در همان زمان گاه با نوشته های کوتاه روایت گونه و معمولاً بدون نقشه و تصویر، محققین و مورخین ایرانی درباره هنر و معماری سنتی ایران که بظاهر قابل مقایسه با کتب وزین و پر محتوای محققان غربی نبودند، احساس نزدیکی و همدلی بیشتری داشته است و با این نوشته های ساده و صمیمی راحت تر به درون معماری گذشته ایران پای نهاده است. چرا اینچنین بوده است؟ آنچه که مورخان غربی معماری ایران با همه مهارت ها و تجربه هایی که در بکار بردن روش های علمی تجربه شده با پشتوانه های علمی و مادی که از آن برخوردار بودند، در این تألیفات موفق به بیان آن نشدند چه بوده است؟

بار دیگر در سالهای تحصیل دوره دکتری معماری، در مسیر تهیه گزارشی با عنوان "هویت"، نگارنده به این فکر افتاد که آیا اگر معماری تاریخی ایران آنچنان که شایسته است، معرفی و شناخته می شد، باز هم معماری امروز ایران دچار بحرانی که آنرا با "بی هویتی" تعریف

می‌کنند شده بود؟ آیا این شناخت حداقل تا حدی نمی‌توانست نقش باز دارندگی و جهت دهی صحیح به این حرکت را داشته باشد؟ در آن گزارش تحت عنوان "هویت و تاریخ‌نگاری معماری"^۱ به مسئله تأثیر نارسائیهای مطالعات تاریخ معماری ایران بر مسئله هویت معماری پرداخته شد. این تجربیات و البته ضرورت‌های دیگری که ذکر خواهد شد، مقدمه شکل‌گیری تحقیق حاضر بوده است که زمینه اصلی آن مسئله مطالعات تاریخ معماری ایران می‌باشد.

تاریخ‌نگاری معماری به عنوان یکی از رشته‌های مهم در ادبیات معماری جایگاه ویژه‌ای دارد. خاستگاه این رشته در غرب و از حدود قرن هجدهم می‌باشد و در ایران، مطالعه و بررسی آثار تاریخی معماری ایران از حدود یک قرن پیش با ورود افرادی که عمدتاً جهت باستان‌شناسی و بعضاً پژوهش و تحقیق به ایران آمدند، آغاز شد. اینان با دیدگاه‌ها و روش‌های خاص خود به بررسی آثار ایران پرداختند. شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود، شرایط را برای فعالیت این افراد فراهم ساخت و برخی از اینان با داشتن مسئولیتهای دولتی و دانشگاهی امکانات خاصی نیز برای مطالعه و تحقیق بدست آوردند و با توجه به انگیزه‌های قوی و با پشتکار و تلاش فراوان حداکثر استفاده را از این شرایط نمودند. حاصل حضور اینان ده‌ها جلد کتاب و انواع تألیفات گوناگون در معرفی آثار ایران بوده است که در عین ارزشمند بودن، نیاز به نقد و بررسی دارند. نگاه این محققان به معماری این سرزمین و بالطبع روش برخوردشان در تدوین معماری ایران منبعت از دیدگاه برگرفته از دیدگاه‌ها و روش‌های علمی غرب بود. اینان بدلیل عدم آشنایی کافی با فرهنگ، زبان و ادبیات ایران نتوانستند روح حاکم بر معماری این سرزمین را دریابند و بدلیل پرهیز از درگیر نمودن خود با پژوهشگران ایرانی که در این جهت می‌توانستند همکاری داشته باشند، آنچه برجای گذاشتند، مجموعه‌ای بوده که علی‌رغم ارزشهای علمی و اسنادی غیر قابل انکار آنها، معرف واقعی معماری گذشته ایران نبوده‌اند.

در این تحقیق به مسئله مطالعات تاریخ معماری بعنوان یک معرفت علمی، وضعیت آن در ایران و تلاش در جهت رسیدن به شرایط مطلوب پرداخته می‌شود.

۱ گلیجانی مقدم، نسرين، (۱۳۷۵)، "هویت و تاریخ‌نگاری معماری ایران". گزارش درس تحلیل و پژوهش هنر، دوره دکتری معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

اهمیت و ضرورت تحقیق

پرداختن به مقوله ای چون تاریخ نگاری معماری با توجه به گستردگی و پیچیدگی آن از جهت مباحث مختلف درگیر با مسئله بصورتی بوده است که حتی محققان و مورخان غربی با وجود انواع منابع و تحقیقات در دسترس و پژوهشهای موردی انجام شده، از پرداختن به آن بخصوص از جنبه های روش شناسی بصورت جامع پرهیز نموده اند و خود نیز بدان معترفند. (Watkin, 1980; Porphyrrios, 1981) حتی در رابطه با تاریخ نگاری معماری ایران که گستره محدودتری دارد، نیز این مسئله صدق می کند، اما بواسطه اهمیت خاص موضوع و ضرورت هایی این انتخاب انجام شده است که نگارنده در طی این بخش و در طول تحقیق تلاش می نماید تا مخاطبان را با این باور همراه نماید. اولین و مهمترین نکته ای که باید به آن با تأمل نگریسته شود، جایگاه سرزمین ایران از جهت میراث فرهنگی و بخصوص معماری ارزشمند آن است. این موقعیتی است که کشورهای معدودی در دنیا از آن بهره مندند، از این جهت به تعبیری که گفته شده، تمدنهای والا معمولا رابطه پیچیده تری با گذشته دارند. (Hancock, 1986) نگاه به گذشته و شناخت و معرفی آن برای کشورهای با تمدنهای برجسته نه تنها اهمیت بیشتری دارد و ضرورت حیات فرهنگی است، بلکه به روشهای دقیق تر و حساب شده تری نیز در معرفی آنها نیازمندند.

گروه کثیری از اساتید معماری و معماران ایرانی به دلایل مختلف که می توان به تبعات ناشی از تاریخ زدایی مدرنیسم و عدم معرفی صحیح چهره واقعی معماری گذشته ایران اشاره نمود، در جریان آموزش و فعالیتهای حرفه ای معماری، تاریخ را از زمینه های آموزشی و مطالعاتی خود حذف کرده اند و این در حالی است که تاریخ معماری همواره یکی از مبانی اصلی نظریه پردازیها و بعضا زمینه پیدایش سبک ها و اندیشه های نظری معماری و الهام بخش اساتید برجسته معماری در خلق آثارشان بوده است. حتی در خاستگاه معماری مدرن در غرب، با تاریخ اینگونه برخورد نشده است و در مراکز علمی و تخصصی همواره مباحث تاریخی معماری موضوع مطالعه و پژوهش بوده است و بعضا در روشها و مبانی آن پژوهش شده است. شمار فراوان کتب و نشریات که در این زمینه چاپ شده و می شود، گواه این مدعاست.

عدم توجه به تألیفات تاریخ معماری طبعاً بی توجهی به روشها و دیدگاه های حاکم بر این تألیفات را بهمراه داشته است. یکی دیگر از ضرورت های مطالعه و بررسی با توجه به مواد ذکر شده را باید در مسئله نارسائیهای موجود در تاریخ نگاری معماری ایران دانست.

اهمیت مطالعات تاریخ معماری بجهت بهره‌گیری از آن در حوزه مختلف قابل توجه است. ارتباط هویت معماری با تاریخ که مورد توافق صاحب‌نظران این رشته است، و رجوع به گذشته و شناخت آن در این وجه ضروری دانسته می‌شود. بخصوص با توجه به شرایط فرهنگی جامعه امروز ایران و تلاش در جهت استقلال فرهنگی که خودشناسی و درک تاریخی یکی از اصول آن است، توجه به همه مظاهر فرهنگی گذشته بخصوص آنها که قابلیت بیشتری برای آمیختن با نیازهای امروز دارند را ضروری ساخته است.

معماری یکی از عینی‌ترین و تأثیرگذارترین مظاهر فرهنگ و تمدن است. گاه یک اثر معماری جلوه‌ای از قرن‌ها فرهنگ و اندیشه یک ملت را به نمایش می‌گذارد. از تاریخ معماری با بهره‌گیری از قابلیت‌های آن در جهت آموزش معماری، حفظ و احیاء بناها، بهره‌گیری از تجربیات فنی و ساختمانی، و در نهایت کمک به تدوین تاریخ فرهنگ و تمدن جامعه می‌توان کمک گرفت.

یکی از زمینه‌های اصلی مشکلات مطالعات تاریخ معماری را باید در شرایط عمومی تحقیقات تاریخی ایران دانست. علی‌رغم پیشینه غنی و پر بار تاریخ نویسی در ایران و انواع متون تاریخی و ادبی که از روزگاران گذشته بجای مانده است، در شرایط فعلی جامعه، تاریخ به عنوان یک معرفت علمی شناخته شده در جایگاه شایسته خویش قرار نگرفته است.

این شرایط عمومی بر تاریخ نگاری علوم و هنرها نیز تأثیر داشته و در این حوزه نیز در عین ضعف چشمگیر، چه در بعد تاریخ نویسی و چه از جهت روش شناسی، مطالعات جدی انجام نشده است. محققانی که با هدف معرفی معماری ایران قلم بدست گرفته‌اند و دانش پژوهان معماری که با نیت آشنایی با معماری گذشته این سرزمین در جستجوی منابع بوده‌اند، هر يك به نوعی با مشکلی در رسیدن به هدف برخورد کرده‌اند که همان مسئله نارساییهای موجود در مطالعات تاریخ معماری ایران بوده است. اصولاً تألیفاتی که درباره تاریخ معماری ایران در دست است، از جهت کمی و کیفی در حد پیشینه غنی و محکم معماری ایران و پاسخگوی اندیشه‌های مشتاق نیست. بخش اعظم منابع که شامل متون تاریخی است، در حد محدود شناسایی و معرفی شده‌اند و از آنجا که روش برخورد و استنتاج از آنها هرگز مورد تأمل قرار نگرفته است، بصورت مواد خام و بلا استفاده باقی مانده‌اند. کتب و مقالاتی که مستقیماً در جهت معرفی تاریخی معماری ایران نگاشته شده‌اند، بدلیل نگرشهای علمی و برخورد‌های توصیفی و پراکندگی در موضوعات مطرح شده، امکان معرفی جامع و درخور معماری ایران را نیافته‌اند. با چنین شرایطی، ضرورت پرداختن به مطالعات تاریخ معماری ایران امری بدیهی است.

فرضیه تحقیق

مشاهده شرایط مطالعات تاریخ معماری ایران از جهت نارساییهای موجود در تألیفات گذشته و رکود نسبی و عدم پویایی در دهه های اخیر، زمینه ساز پرسش اصلی این تحقیق بوده است. پرسش از دلایل این امر که چرا این مطالعات در حد پیشینه ارزشمند این سرزمین نبوده است. با تأمل در این مشکل و ریشه یابی آن در حد مطالعات کلی، به نکاتی دست یافته شد که هر چند در ادبیات معماری ایران بطور مشخص بدان پرداخته نشده است، اما براساس مطالعات مقدماتی نگارنده و توافق نسبی صاحب نظران تاریخ معماری بر اساس شواهد موجود می توان آنرا بعنوان "مبانی" فرضیه تحقیق تلقی نمود که عبارتند از:

- تاریخ معماری بعنوان یکی از گرایشهای تاریخ و مرتبط با تاریخ هنر و یک معرفت علمی در ایران مورد توجه نبوده و درباره موضوع، محتوی و بالطبع روش مطالعات آن تتبع و تأملی صورت نگرفته است. از اینرو اهداف، توانائیهها و انتظاراتی که از آن وجود دارد شناخته شده نیست.

- آنچه تحت عنوان تاریخ معماری در ایران مطرح است، مانند بسیاری علوم دیگر، بدون شناسایی و تأمل در بنیادهای معرفتی آن از غرب گرفته شده، و از دیدگاه ها و روشهای آن پیروی شده است، بدون آنکه در جهت انطباق آن با بستر فرهنگی جامعه اندیشیده شده باشد.

- مطالعات تاریخ نگاری معماری ایران از جهت کمی و کیفی دارای نارسائیهایی است. با توجه به عدم تعادل میان گستره وسیع زمانی و مکانی تاریخ معماری گذشته ایران و مطالعات موجود از جهت کمی و عدم توجه به ابعاد کیفی مسئله این مطالعات پاسخگوی انتظارات گسترده و طبیعی از این علم نیست و معرفی شایسته و درخوری از میراث معماری ایران بدست نمی دهد.

بر اساس مبانی مذکور، فرضیه تحقیق به این صورت شکل گرفته است که: با توجه به نارساییهای موجود در تاریخ نگاری معماری ایران، تجدید نظر در روش مطالعات موجود در جهت رسیدن به رویکردی مناسب که امکان معرفی شایسته و تدوین مقولات و مفاهیم معماری ایران را فراهم آورد، ضروری است. پرسشی که تکمیل کننده این فرضیه می تواند قرار گیرد این است که در صورت آزمودن این نظریه، مبانی مطالعاتی این رویکرد چه می تواند باشد؟